

مصاحبه با کارگر کارخانه ی سیمان تاسلوجه ی سلیمانیه

کارزان لطفخودتان را بیشتر معرفی کنید.

من کارزان کریم کارگر کارخانه سیمان تا سلوجه سلیمانیه و در بخش فنی مشغول به کار هستم
کارم با کامپیوتر و در واقع سرپرست امور فنی کارخانه را به عهده دارم.

این کارخانه در چه سالی ساخته شده و چه تعداد کارگرداشته و خصوصی کردن این کارخانه
چه تأثیری بر وضعیت کارگران داشته است؟

کارخانه تاسلوجه در اوایل سالهای ۸۰ میلادی بوسیله آلمانی ها ساخته شده و در آن زمان
۶۰۰ تا ۷۰۰ کارگر و کارمند داشته اکنون این تعداد به ۱۰۰۰ تا ۱۴۰۰ کارگر رسیده است. و
شکی در آن نیست که خصوصی کردن کارخانه های دولتی هیچ مزیتی برای کارگران غیر از
فشار کار مضاعف و بیکار شدنشان ندارد. با خصوصی کردن کارخانه امنیت شغلی کارگران به
خطر افتاده و کارفرمایان تلاش می کنند کارگران خارجی را جایگزین آنان کنند. زیرا کارگران
در زمان دولتی بودن روزانه ۸ ساعت کار میکردند اما اکنون با بکار گیری کارگران خارجی
بدون در نظر گرفتن ساعات کار، بیشترین کار را از آنان می کشند و آنان را در جاها و شغل های
نا امن و بدون ایمنی می گمارند و تا کنون تعدادی از آنان از ارتفاعات سقوط کرده اند و زخمی
شده اند. این وضعیت باعث گردیده که کارفرمایان به کارگران محلی فشار می آورند که باید
آنان مانند کارگران خارجی بیشتر کار کنند و به حقوق کمتر راضی باشند و گرنه اخراج می
شوند و کارگر خارجی جایگزین آنان می شوند.

اگر ممکن است در مورد چگونگی خصوصی کردن کارخانه توضیح دهید؟

این کارخانه دولتی در ماه فوریه ۲۰۰۵ طی مراسمی به بخش خصوصی وا گذار شد. این
قرارداد با شرکت (اوراسکوم مصری و فاروق ملا مصطفی و نیز شرکت پلس پوسی آلمانی)
منعقد شد. طبق این قرارداد شرکت اوراسکوم تا دو سال یعنی از فوریه ۲۰۰۵ تا فوریه
۲۰۰۷ کارخانه را در اختیار دارد و نیز روزانه هزار (۱۰۰۰) تن سیمان به حکومت (محلی)
تحویل دهد و بعد از این دو سال، شرکت سیمان را با قیمت بازار بفرودشد.

مشخص است که شرکت می تواند که هر چه بیشتر از هزار (۱۰۰۰) تن تولید شد در بازار
آزاد و برای خود بفرودشد. قبل از خصوصی کردن، این کارخانه روزانه ۷۵۰ تن تولید می
کرد که حالا چیزی در حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ تن تولید می کند که عوض اینکه وضعیت
معیشت و دستمزد کارگران بهتر شود با گلوله به مطالبات آنان پاسخ می دهند. هم چنین طبق
این قرارداد شرکت مزبور می تواند بعد از دو سال تا ۵۰٪ از کارگران از جمله کارگران زن
را اخراج کند و حکومت اقلیم (اداره سلیمانیه) نیز موافق است.

کارگران کارخانه های سیمان تاسلوجه و سرچنار هم صنف و دارای سندیکا هستند. این سندیکا
چقدر در خدمت کارگران است؟

هر دو کارخانه دارای یک سندیکای دولت ساخته هستند. پیداست که ماهیت این سندیکا چگونه
است. یک نفر این سندیکا را اداره می کند به جای انجام وظیفه واقعی خود در جهت خدمت به
کارگران، به "کاتب میرزا بنویس" بدل شده است. یا در اول ماه مه به جای انجام مراسم و
دعوت به اجتماع و بررسی وضعیت کارگران و اعتراض به وجود انواع مشکلات فراروی
کارگران، از دولت می خواهد که مینی بوس در اختیارش بگذارد تا کارگران را به تفریح ببرد
و آنان را سرگرم کند یا در جریان اعتصاب کارخانه تا سلوجه در ۲۷/۷/۲۰۰۶ بدترین نقش را
ایفا کرد. البته سندیکاهای دیگر نیز چنین نقشی داشتند مانند سندیکاهای (فنی کاران، پزشکان
، مهندسان)

حادثه نگران کننده زخمی شدن ۱۳ کارگر در روز ۲۷/۷/۲۰۰۶ چگونه اتفاق افتاد؟ اگر چه خوشبختانه خبرکشته شدن ۳ کارگر نادرست بود و کسی کشته نشد .
چند هفته قبل از اعتصاب ، کارگران طی نامه ای خواسته ها و مطالبات خود را به مسئولان کارخانه اعلام کردند اما مسئولان توجهی نکردند تعدادی از خواسته های ما : ۱- اعتراض به حذف پاداش ماهانه که قبلاً" پرداخت می شد ۲- افزایش دستمزدها طبق وعده ی کارفرما ۳- زمزمه اخراج ۱۰۰ نفر و اعتراض به اخراج آنان ۴- رفتارنا انسانی کارفرما با کارگران و کارمندان و دلایلی دیگر. مسئولان کارخانه اهمیتی به مطالبات کارگران ندادند و در پاسخ آنها می گفتند که " کارخانه چهاردر دارد از هر کدام می خواهید بروید ، کارگر برای جایگزینی فراوان است ." تا اینکه روز ۲۷/۷/۲۰۰۶ ساعت ۹ صبح کارگران که با ۲۰ مینی بوس آمده بودند در مقابل ساختمان مدیریت کارخانه تجمع کردند و خواستار پاسخگویی مسئولین شد ند. در طول سال گذشته این تجمع ، آرام ترین و متمدن ترین تجمع بود. همه کارگران تلاش می کردند از هر نوع تنش بپرهیزند. بعد از اینکه دوباره مطالبات کارگران بصورت کتبی به مدیریت کارخانه تسلیم شد. مدیریت اعلام کرد که الان به شما پاسخ می دهم . بعد از چند دقیقه یکی از افراد مسلح کارخانه به سمت کارگران نشانه رفت و شروع به تیراندازی کرد و آن حادثه ی غمگین اتفاق افتاد که چندین کارگر زخمی شدند و به بیمارستان منتقل شدند. و ابتدا خبرکشته شدن تعدادی از کارگران اعلام شد که خوشبختانه بعد از روشن شدن وضعیت، معلوم شد که کسی کشته نشده اما ۳ نفر زخمی شدند که تا این لحظه ۲ تا ۳ نفرشان هنوز در بیمارستان هستند.

موضع و واکنش سندیکاهای کردستان و دیگر بخش ها در مقابل این عمل وحشیانه ی کارفرما چگونه بود؟

بعد از این عمل وحشیانه ، حاکمان سلیمانیه خبر را بگونه ای منعکس کردند که حادثه ی بزرگی نبوده و اعلام کردند که خاطیان را مجازات می کنند. همچنین حکومت اقلیم کردستان هم خودش را غمخوار کارگران می دانست و با عجله به ملاقات کارگران رفتند و مدیران کارخانه نیز از خود سلب مسئولیت می کردند و نگهبانان را مقصر می دانستند . همچنین چندین نامه و بیانیه ی اعتراض از طرف کارگران کارخانه سیمان سرچنار ، کارگران برق ، کارخانه سیگار و نیز از سوی احزاب و سندیکا های مختلف داخل و خارج از کشور به دست کارگران رسید.

فعالان کارگری چقدر تلاش کردند که حرف دل کارگران را به گوش مدیران و مسئولان برسانند؟

در اعتصاب ۲۷/۷/۲۰۰۶ چندین نفر نمایندگی پیگیری مطالبات کارگران را بعهده گرفتند اما بعداً" مشخص شد که این افراد توانایی نمایندگی ندارند سپس سه روز بعد از اعتصاب ، تعداد دیگری از کارگران را به نمایندگی انتخاب کردند که اینان مو فق تر بوده اند و تاکنون بعضی از مطالبات برآورده شده است مانند :

۱- بازگشت به کار کارگران اخراجی و خانه نشین و جلوگیری از اخراج دیگر کارگرانی که قرار بود اخراج شوند ۲- افزایش دستمزدها ۳- پرداخت پاداش های عقب افتاده و متعهد شدن کارفرما به پرداخت آن بصورت مداوم ۴- افزایش نرخ ساعت اضافه کار ۵- متوقف شدن طرح اخراج ۵۰٪ از کارگران و کارمندان کارخانه ۶ - متوقف کردن اخراج زنان و ۷- متعهد شدن شرکت به پرداخت هزینه های مداوای کارگران زخمی حتی در صورت اعزام به خارج از عراق .

سن بازنشستگی برای کارگران چند سال است؟ و اگر چنانچه حادثه ای در محل کار برای کارگران روی دهد آیا قانونی برای دفاع و حمایت از آنان وجود دارد؟

سن بازنشستگی ۶۳ سال است که در کارخانه سیمان تاسلوجه ۱۴۸ نفر به سن بازنشستگی رسیده اند و همگی آنها از این وضعیت نگران هستند زیرا بعد از بازنشستگی فقط حقوق پایه به آنان تعلق می گیرد و از امتیازات دیگر محروم می شوند لذا آنان ترجیح می دهند پس از بازنشستگی مجدداً بصورت قراردادی در کارخانه بمانند.

آیا کارگران برای الغای ماده ۱۵۰ قانون کار مصوب سال ۱۹۸۷ تلاش کرده اند؟

بله ماده ۱۵۰ قانون کار بخشی از کارگران را از شمول قانون کار خارج کرده و آنان را بعنوان کارمند معرفی می کرد. در ابتدا بخشی از کارگران از تصویب این ماده راضی بودند زیرا گمان می کردند که مشکلاتشان کمتر می شود و امتیازات جدیدی به آنان تعلق می گیرد اما در واقع هدف حزب از تصویب این ماده در سال ۱۹۸۷ کاهش آگاهی و همبستگی طبقاتی و فکری طبقه کارگر عراق و ایجاد توهم برای آنان بود.

در زمان تصویب این قانون اعتراضات زیادی هم صورت گرفت و بعد از قیام بهار ۱۹۹۱ هم اگرچه این ماده لغو و باطل نشد ولی عملاً اجرایی نشد و تلاش های زیادی هم برای لغو آن صورت می گیرد. از آن زمان به بعد هر وقت "جنبش بیکاری کردستان" به مسئولان حکومت اقلیم کردستان مراجعه می کنند و به آنان یاد آوری میکنند که مردم بیکار هستند، مسئولان عصبانی می شوند و در پاسخ اعلام می کنند که بگویید "مردم بی شغل هستند نه بیکار". و البته این معنای متفاوتی دارد.

دوست گرامی در پایان اگر مطلبی دارید بفرمایید

از اینکه اعتراض و اعتصاب کارگران کارخانه سیمان تاسلوجه را اطلاع رسانی کرده و از ما پشتیبانی کردید بسیار ممنون هستیم. ما نیز خودمان را از شما می دانیم و این همبستگی طبقاتی را بسیار مغتنم می دانیم.

تابستان ۱۳۸۵